

اندازه‌گیری شاخص‌های فقر نسبی در خانوارهای شهری استان گیلان

دکتر عبدالمجید آهنگری^۱ و حسین عسکری پور لاهیجی^۲

تاریخ وصول: ۹۵/۳/۲

تاریخ پذیرش: ۹۶/۹/۱۸

چکیده:

این پژوهش، فقر نسبی در مناطق شهری استان گیلان طی سال‌های ۱۳۸۰-۱۳۹۱ را بررسی نموده است. بدین منظور خط فقر نسبی بر اساس روش‌های ۵۰ و ۶۶ درصد میان‌مندی مخارج خانوارها برای خانوارهای چهار نفره‌ی شهری محاسبه و با تکیه بر آن دو شاخص مرتبط با فقر شامل اصابت فقر و شدت فقر برای خانوارهای مذکور با روش ۶۶ درصد برآورد گردیده است. نتایج محاسبه‌ی شاخص‌ها نشان می‌دهد بر اساس روش ۵۰ درصد در سال ۱۳۸۰ خط فقر نسبی ۱۰۵۸۳۷۳۹ ریال بوده که در سال ۱۳۹۱ به ۶۸۵۹۱۷۰۶ ریال افزایش یافته است و بر اساس روش ۶۶ درصد در سال‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۹۱ به ترتیب خط فقر نسبی ۱۳۹۷۰۵۳۶ و ۹۰۵۴۱۰۵۲ ریال برآورد شده است. همچنین، میزان اصابت فقر نسبی سالانه‌ی خانوارها در مناطق شهری در فاصله‌ی مذکور با روش ۶۶ درصد میان‌مندی مخارج با ۳ درصد کاهش از ۳۲/۲ به ۲۹/۶ درصد تنزل یافته است؛ اگر چه در این فاصله، با افزایش شدت فقر، متوسط شکاف درآمدی یک خانوار دارای فقر نسبی از ۱۵ درصد خط فقر نسبی به ۱۹ درصد افزایش یافته است. مقایسه‌ی خط فقر نسبی محاسبه شده با مطالعات در سطح کشوری نشان می‌دهد که خط فقر در مناطق شهری استان گیلان در سال ۱۳۹۱ از خط فقر مناطق شهری کل کشور پایین‌تر است.

مفاهیم کلیدی: فقر نسبی، خانوارهای شهری، روش ۵۰ و ۶۶ درصد میان‌مندی مخارج خانوار، شدت فقر، اصابت فقر

^۱ دانشیار گروه اقتصاد دانشگاه شهید چمران اهواز (نویسنده‌ی مسئول) a_m_ahangari@yahoo.com

^۲ دانشجو دکتری اقتصاد دانشگاه شهید چمران اهواز hap152@yahoo.com

مقدمه و بیان مسأله

یکی از بزرگ‌ترین مشکلات جامعه‌ی بشری در طول تاریخ، پدیده‌ی فقر است. پدیده‌ی فقر شامل فقر مطلق و فقر نسبی است. کسانی که از نیازهای اولیه‌ی زندگی محروم هستند دچار فقر مطلق می‌باشند. فقر نسبی شامل افرادی است که در سطح کمتر از استانداردهای قابل قبول جامعه در یک زمان و مکان مشخص زندگی می‌کنند (سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، ۱۳۷۹). آگاهی از وضعیت و میزان فقر در هر مکان و زمان برای برنامه‌ریزی در جهت کاهش آن از اهمیت زیادی برخوردار است. در مناطق مختلف یک کشور معمولاً به دلیل اختلاف در شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، میزان و خط فقر متفاوت است. لذا، برآورد شاخص‌های مرتبط با فقر در هر منطقه یا استان و وضعیت تغییر شاخص‌ها در طی زمان برای برنامه‌ریزی دقیق‌تر و بهتر لازم است. در این مطالعه به منظور بررسی وضعیت فقر نسبی در خانوارهای شهری استان گیلان و تغییرات آن طی سال‌های ۹۱-۱۳۸۰، شاخص‌های خط فقر نسبی، اصابت فقر (نسبت سرشمار فقر) و شدت فقر (عمق فقر) در دو مقطع ۱۳۸۰ و ۱۳۹۱ برآورد گردیده است. بر اساس فرضیه‌های در نظر گرفته شده در این تحقیق، انتظار می‌رود در سال ۱۳۹۱، شاخص اصابت فقر در خانوارهای شهری استان گیلان نسبت به سال ۱۳۸۰ کاهش و شاخص شدت فقر افزایش یافته باشد.

مبانی نظری پژوهش

۱- مفهوم کلی فقر

در خصوص فقر، تعاریف و دیدگاه‌های متعددی وجود دارد؛ به‌طور مثال از دیدگاه بانک توسعه‌ی آسیا، فقر عبارت است از محرومیت از دارایی‌ها و فرصت‌هایی که هر فرد مستحق آن می‌باشد (خسروی‌نژاد، ۱۳۹۱). از نظر تانسنند^۱ (۱۹۸۵)، افراد خانوارها و گروه‌های یک جامعه را می‌توان فقیر نامید؛ هنگامی که حداقل منابع لازم را برای دستیابی به غذا، شرکت در فعالیت‌ها و تسهیلاتی که در جوامعی که در آن زندگی می‌کنند، مرسوم و مورد تشویق می‌باشد را ندارند. بالدوین^۲ (۱۹۸۵)، معتقد است که فقیر بودن عبارت است از نداشتن پول کافی برای کارکرد مؤثر نظام اقتصادی که همه مجبورند از طریق آن در صدد رفع ضروریات زندگی برآیند.

^۱ Townsend

^۲ Baldwin

از نظر سامنر^۱، تعریف مناسبی از فقر وجود ندارد و باید از بکار بردن این عبارت خودداری کرد زیرا به‌طور خطرناکی انعطاف‌پذیر است و پاره‌ای از تصورات نادرست اجتماعی را در بر می‌گیرد (راوالیون^۲، ۱۹۹۸). سن^۳ (۱۹۸۱)، معتقد است که تمامی تعاریف صورت گرفته در مورد فقر به نوعی به محرومیت اشاره می‌کنند و محرومیت خود مفهومی نسبی است که ممکن است در مکان‌ها و زمان‌های متفاوت کاملاً با هم فرق داشته باشند. همچنین، مطابق دیدگاه بارشیلر^۴ فقر تنها یک حالت ذهنی است تا وضعیت جیب شخص؛ در واقع او عقیده دارد که کسی فقیر نیست مگر آنکه احساس کند فقیر است (اسدزاده و ساتیا، ۲۰۰۱).

۲- مفهوم فقر مطلق^۵ و نسبی^۶

۲-۱- فقر مطلق و شاخص‌های اندازه‌گیری آن

فقر بصورت مطلق یا نسبی در نظر گرفته می‌شود. در شناسایی فقر مطلق نخستین گام، تعیین نیازهای اولیه است. در واقع، فقر مطلق وضعیتی است که در آن فرد توانایی لازم را در دسترسی به حداقل نیازهای اساسی مانند غذا، مسکن، پوشاک و بهداشت ندارد، به‌طوری که در نبود این حداقل امکانات، حیات فرد به مخاطره می‌افتد (عرب مازار و حسینی‌نژاد، ۱۳۸۳). برای تعیین فقرا چه مطلق و چه نسبی تعیین خط فقر لازم است. همانند مفهوم فقر، خط فقر نیز دارای دو مفهوم مطلق و نسبی می‌باشد که انتخاب هر یک از این دو در سیاست‌های عملی فقرزدایی حائز اهمیت است؛ زیرا شاخص‌های فقر مبتنی بر هر یک از این دو مفهوم، حساسیت‌های متفاوتی در مقابل تغییرات اقتصادی - اجتماعی کوتاه‌مدت و بلندمدت و یا نابرابری درآمد از خود نشان می‌دهند (خدادادکاشی، ۱۳۸۱). به عقیده‌ی راولیون، خط فقر مطلق عبارت است از میزان مخارجی است که یک فرد در یک زمان و مکان معین برای دسترسی به یک سطح حداقل رفاه متحمل می‌شود. افرادی که به این سطح رفاه دسترسی ندارند فقیر مطلق تلقی می‌شوند (پیرایی و شفیعی، ۱۳۸۰).

¹ Sumner

² Ravallion

³ Sen

⁴ Barsheler

⁵ absolute poverty

⁶ relative poverty

عمده‌ترین روش در زمینه‌ی تعیین خط فقر مطلق، تعیین نیازهای غذایی (روش نسبت غذا) بر حسب کالری مورد نیاز فرد در روز است. در این روش، حداقل درآمد لازم برای دریافت حداقل انرژی مورد نیاز فرد در روز محاسبه و به‌عنوان خط فقر تعیین می‌شود (پژویان، ۱۳۷۵). البته در این روش حتی اگر در مورد حداقل انرژی مورد نیاز توافق وجود داشته باشد، باز هم مشکل انتخاب رژیمی که کالری مورد نیاز را تأمین می‌کند، مطرح است (خدادادکاشی و حیدری، ۱۳۸۸).

۲-۲- فقر نسبی و شاخص‌های اندازه‌گیری آن

فقر نسبی به‌عنوان ناتوانی در کسب یک سطح معینی از استانداردهای لازم یا مطلوب زندگی در جامعه تعریف می‌شود که بیشتر معیاری از توزیع نابرابر درآمدها است. در واقع، این نوع فقر در شرایطی است که فرد نسبت به متوسط شرایط درآمدی جامعه وضعیت مناسبی ندارد. گالبرایت^۱ اشاره می‌کند مردمی فقیرند که درآمدها حتی اگر برای بقاء کافی باشد از درآمد اجتماع بسیار پایین‌تر است (اسدزاده و ساتیا، ۲۰۰۱). همچنین، سن (۱۳۸۱)، فقر را به لحاظ ظرفیت‌های افراد به صورت مطلق و از لحاظ کالاها به صورت نسبی تعریف می‌کند.

برای اندازه‌گیری فقر نسبی و تعیین فقرا و جدا کردن آنها از افراد غیر فقیر به آستانه یا خط فقر نسبی نیاز است. این آستانه‌ی مخارج بر اساس واحد پولی تعریف می‌شود. روش ۵۰ و یا ۶۶ درصد میانگین مخارج خانوارها و نیز ۵۰ و یا ۶۶ درصد میان‌های مخارج خانوارها روش‌های متداول برای تعیین خط فقر نسبی محسوب می‌شوند. در مطالعات متعددی مانند ارضروم چیلر (۱۳۸۴)، افتخاریان و سلیمی‌فر (۱۳۹۳) و راگلس^۲ (۱۹۹۲)، برای بررسی شاخص‌های فقر از این روش‌ها استفاده شده است. البته در بعضی مطالعات و کشورها از جمله کشورهای اروپایی ۶۰ درصد میان‌های بکار برده شده است (تامپسون و اسمیدینگ^۳، ۲۰۱۳؛ پیرایی و شهسواری، ۱۳۸۸). در روش ۵۰ یا ۶۶ درصد میانگین مخارج خانوارها پس از محاسبه‌ی میانگین مخارج خانوارهای نمونه، ۵۰ یا ۶۶ درصد آن به‌عنوان خط فقر نسبی در نظر گرفته می‌شود (ارضروم چیلر، ۱۳۸۴). اما در روش ۵۰ و یا ۶۶ درصد میان‌های مخارج خانوارها ابتدا مخارج خانوارها در ده دهک هزینه‌ای (درآمدی)

^۱ Galbraith

^۲ Ruggles

^۳ Thompson and Smeeding

مرتب می‌شود. سپس میانگین مخارج دهک‌های پنجم و ششم به‌عنوان میانه‌ی مخارج خانوارها در نظر گرفته می‌شود که در نهایت ۵۰ و یا ۶۶ درصد آن، خط فقر نسبی را نشان می‌دهد (ارضروم چیلر، ۱۳۸۴ و خداداد کاشی، ۱۳۸۱). راگلس (۱۹۹۲)، اشاره می‌کند که روش ۵۰ درصد میانه بیشترین کاربرد را در اندازه‌گیری فقر نسبی دارد. اهمیت رو به افزایش آگاهی سیاست‌گذاران از فقر نسبی در جوامع باعث شده است که در سال‌های اخیر در اکثر کشورهای پیشرفته و در حال توسعه، توجه از فقر مطلق به فقر نسبی که در واقع بیشتر به بعد نابرابری اهمیت می‌دهد تغییر کرده است (اداره‌ی امور اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل،^۱ ۲۰۰۹).

در مورد کاربرد خط فقر نسبی ذکر این نکته الزامی است که در این شیوه هر قدر هم درآمد جامعه بالا باشد به‌طوری که همه‌ی از حداقل نیازها برخوردار باشند؛ همواره این امکان وجود دارد؛ که عده‌ای در مقایسه با دیگران به‌عنوان فقیر منظور گردند؛ مگر آنکه توزیع درآمد به شدت عادلانه باشد (خداداد کاشی و حیدری، ۱۳۸۸).

۳- تعاریف شاخص‌های اصابت فقر^۲، شکاف درآمدی^۳ و شدت فقر^۴

در مبانی نظری و مطالعات تجربی مرتبط با فقر، شاخص‌هایی برای توصیف و شناسایی وضعیت جوامع معرفی شده است. از جمله شاخص‌های مهم که در مطالعات متعدد مورد توجه بوده‌اند می‌توان به اصابت فقر، شکاف درآمدی و شدت فقر اشاره کرد.

۳-۱- اصابت فقر (شاخص نسبت سرشمار فقر)

هر گاه تعداد اعضای مجموعه (افراد) خانوارهای زیر خط فقر برابر q باشد، شاخص اصابت فقر به صورت زیر بدست می‌آید (مرکز مطالعه‌ی استاندارد زندگی^۵، ۲۰۰۳؛ ارضروم چیلر، ۱۳۸۴؛ پیرایی و شفیع، ۱۳۸۰).

^۱ Department of Economic and Social Affairs of the United Nation

^۲ incidence poverty point

^۳ income gap index

^۴ poverty severity

^۵ Center For Study of Living Standard

$$H = \left[\frac{1}{n} \sum_{q=1}^n (y \leq Z) \right] \times 100 \Rightarrow H = \frac{q}{n} \quad (1)$$

q : تعداد خانوارها (افراد) پایین تر از خط فقر

n : تعداد کل خانوارها

y : درآمد خانوار پایین تر از خط فقر

Z : خط فقر

این شاخص؛ تصویری ساده از میزان فقر در جامعه ارائه می‌دهد و رایج‌ترین روش اندازه‌گیری شاخص فقر محسوب می‌شود (تانسند، ۱۹۸۵).

۳-۲- شاخص شکاف درآمدی

این شاخص توسط سن (۱۹۸۱)، ارائه شده است و با توجه به فاصله‌ی درآمد فرد یا خانوار فقیر از خط فقر تعیین می‌شود. شکاف درآمدی برای فرد (خانوار) i ام عبارت است از:

$$g_i = (Z - y_i) \quad (2)$$

و برای مجموع خانوارهای فقیر (افراد فقیر) به صورت زیر نشان داده می‌شود:

$$g = \sum_{i=1}^g (Z - y_i) \quad (3)$$

شکاف مذکور در واقع میزان پول یا درآمدی را که باید به افراد فقیر انتقال یابد تا فقر ریشه‌کن شود؛ تخمین می‌زند (فان و ژانگ^۱، ۲۰۰۱). از تقسیم g بر تعداد خانوارهای (افراد) زیر خط فقر، میزان شکاف درآمدی هر خانوار بطور متوسط به دست می‌آید.

۳-۳- شاخص شدت فقر

این شاخص به صورت زیر تعریف می‌شود (سن، ۱۹۸۱).

$$G = \frac{1}{q_z} \sum \left(\frac{Z - y_i}{Z} \right) \quad (4)$$

q_z : تعداد خانوارها (افراد) پایین تر از خط فقر

¹ Fan and Zhang

نسبت G که به صورت درصدی از خط فقر بیان می‌شود گویای آن است که به‌طور متوسط درآمد یا هزینه‌ی هر خانوار فقیر نسبت به خط فقر چقدر باید افزایش یابد تا فقر از بین برود.

پیشینه پژوهش

در زمینه فقر و برآورد آن تحقیقات متعددی در داخل و خارج از کشور صورت گرفته است؛ که البته بیشتر مطالعات داخل کشور در سطح کلان و در زمینه‌ی فقر مطلق انجام شده و سهم مطالعات منطقه‌ای و استانی بخصوص در مورد فقر نسبی اندک است.

الف) تحقیقات داخلی

پیرایی و شفיעی (۱۳۸۰)، در پژوهشی به بررسی و اندازه‌گیری نسبی نابرابری فقر، اصابت فقر و شدت فقر در خانوارهای شهری استان مازندران با روش مخارج خطی طی سال‌های ۱۳۶۹-۱۳۷۵ پرداخته‌اند. نتایج بدست آمده حاکی از آن است که در این فاصله شدت و اصابت فقر افزایش یافته؛ در حالی که نابرابری درآمد بین افراد فقیر تغییر محسوسی نداشته است (پیرایی و شفיעی، ۱۳۸۰).

خالدی و زوار (۱۳۸۴)، در مطالعه‌ای تحت عنوان: بررسی وضعیت فقر در مناطق شهری و روستایی ایران، خط فقر نسبی در مناطق شهری کشور در سال ۱۳۸۰ را با روش ۵۰ درصد میانگین مخارج خانوار، برابر ۱۴۰۱۰۰۰۰ ریال برآورد کرده است.

افتخاریان و سلیمی‌فر (۱۳۹۳)، برای بررسی وضعیت فقر در مناطق شهری در سطح کشور و نیز استان کرمان به تعیین خط فقر نسبی در مناطق شهری بر مبنای ۵۰ و ۶۶ درصد مخارج پرداخته است. مطابق نتایج این تحقیق در سال ۱۳۹۱ بر مبنای روش ۵۰ درصد، خط فقر نسبی در مناطق شهری استان برای خانوار چهار نفره، بالغ بر ۵۸۶۷۰۶۶۴ و با روش ۶۶ درصد ۷۷۴۴۵۲۷۶ ریال بوده است. همچنین، در این مطالعه خط فقر نسبی در مناطق شهری کشور در سال ۱۳۹۱ به ترتیب ۸۲۱۴۰۳۱۰ و ۱۰۸۴۲۵۲۰۹ ریال اعلام شده است (افتخاریان و سلیمی‌فر، ۱۳۸۴).

پیرایی و شهسوار (۱۳۸۸)، وضعیت فقر نسبی در مناطق شهری استان فارس را در سال ۱۳۸۰ با روش ۵۰ و ۶۶ درصد میانه مخارج مورد بررسی قرار داده است. نتایج نشان می‌دهد که یک خانوار شهری استان فارس برای تأمین نیازهای خود در سال ۱۳۸۰ با

روش‌های مذکور به ترتیب مبلغ ۹۷۱۰۵۱۶ و ۱۲۸۱۷۸۸۱ ریال لازم داشته است (پیرایی و شهسوار، ۱۳۸۸).

زورکی و شه‌میری شورمستی (۱۳۹۱)، در تحقیقی به بررسی برآورد خط فقر نسبی در استان مازندران طی برنامه‌های توسعه‌ی اقتصادی - اجتماعی طی سال‌های ۱۳۸۹-۱۳۶۸ می‌پردازد. یافته‌های پژوهش حاکی از وجود روند افزایشی خط فقر نسبی استان است. همچنین، نتایج بیانگر این است که برای یک خانوار چهار نفره خط فقری شهری سالانه از ۲۴۱۲۴۸۲/۸ ریال در سال ۱۳۶۸ به ۴۳۶۰۱۴۵۷/۲ ریال در سال ۱۳۸۶ رسیده است. مطابق گزارش بانک مرکزی خط فقر نسبی سالانه خانوارهای شهری در ایران در سال ۱۳۸۹ و برای یک خانوار ۳/۷ نفری به‌طور متوسط حدود ۷۸۰۰۰۰۰۰ ریال اعلام گردیده است (ارضوم چیلر، ۱۳۸۴).

ب) تحقیقات خارجی

در خصوص فقر نسبی در سایر کشورها نیز مطالعاتی صورت گرفته است. راگلس (۱۹۹۲)، با روش ۵۰ درصد میانه مخارج شاخص فقر نسبی را برای شهروندان آمریکایی در سال ۱۹۸۸ برآورد نموده است؛ همچنین خط فقر نسبی بر مبنای ۶۰ درصد و ۵۰ درصد میانه برای کشورهای اتحادیه‌ی اروپا در سال ۲۰۰۵ برآورد گردیده است. و بر این اساس کشورها با یکدیگر مقایسه شده‌اند (مارکس و بوش^۱، ۲۰۰۷).

کمیسیون اروپایی^۲ (۲۰۱۱)، نیز با روش ۶۰ درصد میانه اقدام به اندازه‌گیری فقر نسبی در سال ۲۰۰۸ در کشورهای عضو اتحادیه‌ی اروپا کرده است. گزارش توسعه‌ی انسانی مالزی در سال ۲۰۱۳ بیان می‌کند که بر اساس تعریف فقر نسبی از سال ۲۰۰۷ تعداد افراد فقیر بیشتر شده است و از هر پنج خانواده‌ی مالزیایی یک خانواده فقیر محسوب می‌شوند. خط فقر نسبی مبلغ ۱۸۱۳ رینگت تعیین شده است که بر اساس آن ۱۷/۵ درصد از مردم مالزی در فقر نسبی قرار دارند، که این رقم با سیر صعودی در سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۲ به ترتیب به ۱۹ و ۲۰ درصد افزایش یافته است (سازمان ملل متحد، گزارش توسعه‌ی انسانی مالزی^۳، ۲۰۱۳).

¹ Marx and Bosch

² European Commission

³ United Nations Development Programme Human Development Report-Malaysia

موقعیت جغرافیایی و اقتصادی استان گیلان

استان گیلان شمالی ترین نقطه‌ی کشور با مساحت ۱۴۷۱۱ کیلومتر مربع و حدود ۰/۹ درصد مساحت کشور یکی از زیباترین استان‌های کشور از لحاظ جاذبه‌های طبیعی و توریستی می‌باشد و سالانه پذیرای میلیون‌ها نفر گردشگر می‌باشد. استان گیلان در میان رشته کوه‌های البرز و تالش در شمال ایران جای گرفته است. این استان به واحد جغرافیایی جنوب دریای خزر تعلق دارد و با استان‌های اردبیل در غرب، مازندران در شرق، زنجان در جنوب و کشور استقلال یافته‌ی آذربایجان و دریای خزر در شمال هم‌مرز و همسایه است. رود سفید تمشک که بین چابکسر و رامسر جاری است، آن را از استان مازندران جدا می‌کند. از نظر آب و هوایی، گیلان در منطقه‌ی معتدل خزری واقع شده است (مهدیان و مهرابی، ۱۳۸۹). شهرستان‌های استان گیلان عبارتند از: آستارا، آستانه اشرفیه، املش، بندر انزلی، تالش، رشت، رضوان‌شهر، رودبار، رودسر، سیاهکل، شفت، صومعه‌سرا، فومن، لاهیجان، لنگر و ماسال. این استان به دلیل شرایط ویژه‌ی اقلیمی، از مناطق مستعد کشور در زمینه‌ی تولید محصولات کشاورزی است. برنج، چای، فندق، مرکبات و زیتون از مهم‌ترین محصولات کشاورزی این استان است. به طوری که بیش از ۳۵ درصد برنج کشور، ۸۵/۸ درصد چای، حدود ۷۴ درصد فندق و ۱۸ درصد زیتون کشور در گیلان تولید می‌شود. کاربری اراضی کشاورزی استان حدود ۲۵ درصد می‌باشد که در سطح کشور دارای رتبه‌ی ششم می‌باشد (امیرانتخابی، ۱۳۸۷)؛ همچنین موقعیت دریایی موجب شده است تا در بعضی مطالعات، استان گیلان به‌عنوان منطقه‌ی دارای استعداد توسعه‌ی دریامحور با تکیه بر ایجاد مناطق آزاد، صید و گردشگری دریایی معرفی شود (نجفی و مولایی‌پور، ۱۳۹۳). در حالی که در سال ۱۳۹۱، جمعیت استان گیلان ۳/۳ درصد از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهد، سهم آن در تولید ناخالص داخلی کشور برابر ۲/۱ درصد بوده است (معاونت برنامه‌ریزی استانداری استان گیلان، ۱۳۹۱ و اداره‌ی کل امور اقتصادی و دارایی استان گیلان، ۱۳۹۴).

بر اساس نتایج طرح آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای شهری استان گیلان، متوسط کل هزینه (خوراکی و غیر خوراکی) و نیز درآمد یک خانوار شهری در این استان در سال ۱۳۹۱ به ترتیب برابر ۱۵۱/۶ و ۱۴۳/۴ میلیون ریال اعلام شده است. در این سال ارقام مذکور در سطح کشور برابر ۱۶۴/۲ و ۱۶۷/۲ میلیون ریال برآورد شده است (فتحی، ۱۳۹۴).

روش‌شناسی پژوهش

در این تحقیق در ابتدا خط فقر نسبی در مناطق شهری استان گیلان با استفاده از روش ۵۰ و ۶۶ درصد میانه‌ی مخارج خانوارها برای خانوار چهار نفره و با تکیه بر نمونه‌ی ۱۷۲۵۰ خانواری، طی سال‌های ۹۱-۱۳۸۰ اندازه‌گیری می‌شود. سپس با استفاده از خط فقر نسبی و با روش ۶۶ درصد میانه‌ی مخارج، شاخص‌های اصابت فقر و شدت فقر نسبی در سال‌های مذکور در مناطق شهری برآورد می‌شود. داده‌های مورد نیاز شامل شاخص هزینه‌ی کل خانوارها، دهک‌های درآمدی و هزینه‌ای خانوارها از سالنامه‌های آماری استان گیلان (معاونت برنامه‌ریزی استانداری گیلان) تأمین شده است. از هزینه‌ی ناخالص خانوار به‌عنوان تقریبی برای درآمد استفاده شده است. جامعه‌ی آماری شامل تمامی خانوارهای چهار نفره استان گیلان بوده و در برآورد شاخص‌های مورد نظر (فقر نسبی، اصابت فقر و شدت فقر) از نرم‌افزار SPSS استفاده شده است.

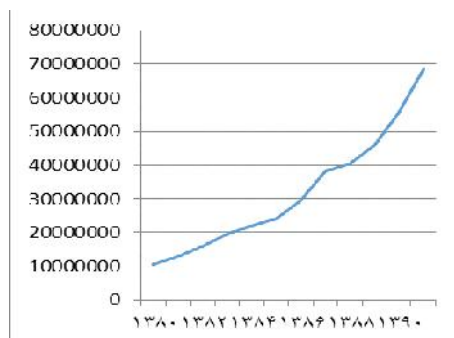
اندازه‌گیری خط فقر نسبی، شاخص‌های اصابت فقر و شدت فقر نسبی در مناطق شهری استان گیلان

روش‌های اندازه‌گیری خط فقر متنوع است. بسته به مفهوم فقر مطلق یا نسبی و یا مفهوم عینی و ذهنی بودن فقر هر کدام می‌تواند تعیین‌کننده‌ی روش محاسبه‌ی خط فقر باشد. به‌عبارت دیگر خط فقر مقدار معین و غیر قابل تغییر نیست بلکه بسته به مفهومی که از فقر در نظر است روش محاسبه‌ی آن انتخاب می‌شود (خدادادکاشی و سلیمان‌نژاد، ۱۳۹۱). یکی از روش‌های تعیین خط فقر نسبی، تعیین میانه‌ی هزینه‌ی سرانه برای خانوارهای مورد مطالعه و محاسبه‌ی ۵۰ یا ۶۶ درصد آن به‌عنوان خط فقر نسبی می‌باشد (عرب مازار و حسینی‌نژاد، ۱۳۸۳). به منظور محاسبه‌ی خط فقر از این روش، ابتدا بر اساس هزینه‌ی سرانه، خانوارها به ده دهک تقسیم می‌گردند. آنگاه میانگین هزینه‌ی سرانه دو دهک پنجم و ششم به‌عنوان میانه‌ی هزینه‌ی خانوار در نظر گرفته می‌شود. در نهایت خط فقر بر پایه‌ی ۵۰ و ۶۶ درصد این میانه محاسبه می‌گردد (خدادادکاشی و فرهاد، ۱۳۸۱؛ عرب مازار و حسینی‌نژاد، ۱۳۸۳؛ ابونوری و مالکی، ۱۳۸۷). نتایج حاصل از برآورد خط فقر بر اساس ۵۰ درصد و ۶۶ درصد میانه‌ی مخارج به تفکیک برای خانوارهای شهری استان طی سال‌های ۹۱-۱۳۸۰ در جدول ۱ نشان داده شده است.

جدول ۱: برآورد خط فقر نسبی خانوار شهری استان گیلان بر پایه ی ۵۰ و ۶۶ درصد میانه ی مخارج (سالانه - ریال) در سال های ۱۳۸۰-۱۳۹۱

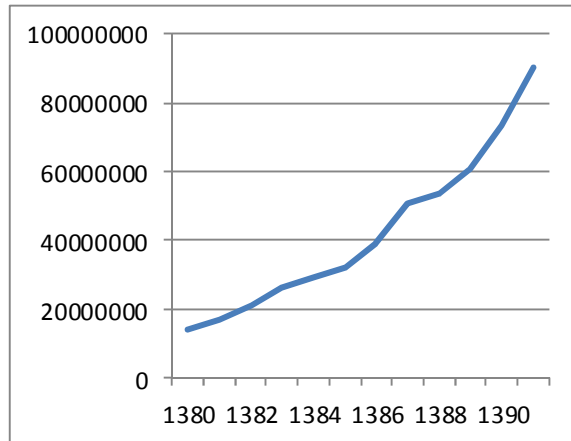
سال	خط فقر بر مبنای ۵۰ درصد میانه ی مخارج)	خط فقر بر مبنای ۶۶ درصد میانه ی مخارج)
۱۳۸۰	۱۰۵۸۳۷۳۹	۱۳۹۷۰۵۳۶
۱۳۸۱	۱۳۰۰۷۵۰۱	۱۷۱۶۹۹۰۱
۱۳۸۲	۱۵۹۳۲۸۶۴	۲۱۰۳۱۳۸۰
۱۳۸۳	۱۹۷۲۱۲۹۷	۲۶۰۳۲۱۱۲
۱۳۸۴	۵۲۲۰۲۰۶۵	۲۹۰۶۷۲۶۴
۱۳۸۵	۲۴۱۹۷۰۷۹	۳۱۶۴۰۱۴۵
۱۳۸۶	۲۹۴۰۸۵۳۲	۳۸۸۱۹۲۶۲
۱۳۸۷	۳۸۲۰۷۹۷۲	۵۰۴۳۴۵۲۳
۱۳۸۸	۴۰۴۴۳۸۶۰	۵۳۳۸۵۸۹۶
۱۳۸۹	۴۵۸۹۱۳۱۳	۶۰۵۷۶۵۳۴
۱۳۹۰	۵۵۴۴۶۰۴۷	۷۳۱۸۸۷۸۲
۱۳۹۱	۶۸۵۹۱۷۰۶	۹۰۵۴۱۰۵۲

جدول ۱ نشان می دهد بر اساس روش ۵۰ درصد میانه ی مخارج، در سال ۱۳۸۰ خط فقر نسبی حدود ۱۰۵۸۳۷۳۹ ریال بوده است که در سال ۱۳۹۱ این رقم به ۶۸۵۹۱۷۰۶ ریال افزایش یافته است. از طرف دیگر بر اساس خط فقر ۶۶ درصد میانه ی مخارج، خط فقر نسبی در سال های ۱۳۸۰ و ۱۳۹۱ به ترتیب معادل ۱۳۹۷۰۵۳۶ و ۹۰۵۴۱۰۵۲ ریال بوده است.



نمودار ۱: روند خط فقر نسبی بر مبنای ۵۰ درصد میانه ی مخارج خانوارهای شهری استان گیلان (سالانه - ریال) طی سال های ۱۳۸۰-۱۳۹۱

نمودارهای ۱ و ۲ نیز نشان می‌دهند؛ خط فقر بر مبنای ۵۰ و ۶۶ درصد میانه‌ی مخارج خانوارهای شهری استان گیلان در طی دوره‌ی مورد مطالعه همواره روند افزایشی داشته است. در هر دو معیار خط فقر در سال ۱۳۹۱ نسبت به ۱۳۸۰ یعنی در فاصله‌ی ۱۲ سال شش و نیم برابر شده است. همچنین، مطابق ارقام مندرج در جدول ۱ در هر دو معیار خط فقر بطور متوسط سالانه ۱۹ درصد افزایش یافته است.

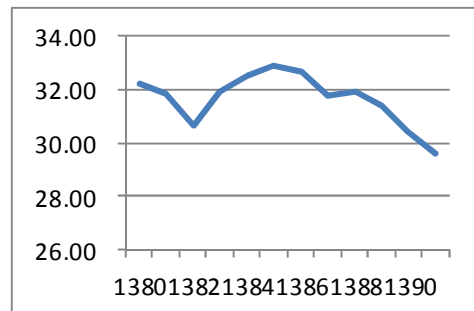


نمودار ۲: روند خط فقر نسبی بر مبنای ۶۶ درصد میانه‌ی مخارج خانوارهای شهری استان گیلان (سالانه - ریال) طی سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۸۰

جدول ۲: اصابت فقر و شدت فقر نسبی بر مبنای ۶۶ درصد میانه‌ی مخارج خانوارهای شهری استان گیلان

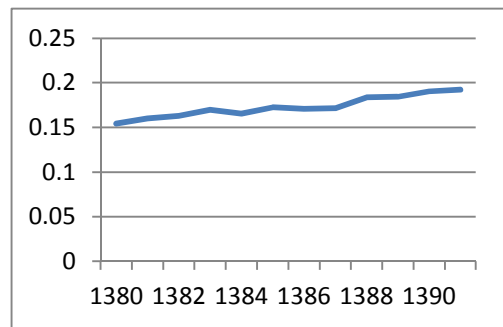
سال	اصابت	شدت فقر
۱۳۸۰	۳۲/۲۳	۰/۱۵۴۳۹۸
۱۳۸۱	۳۱/۸۶	۰/۱۵۹۸۵۲
۱۳۸۲	۳۰/۶۳	۰/۱۶۲۹۸۵
۱۳۸۳	۳۱/۹۱	۰/۱۶۹۸۵۳
۱۳۸۴	۳۲/۵۵	۰/۱۶۵۳۲۹
۱۳۸۵	۳۲/۹۲	۰/۱۷۲۳۷۹
۱۳۸۶	۳۲/۷۱	۰/۱۷۰۸۷۳
۱۳۸۷	۳۱/۷۹	۰/۱۷۱۳۲۶
۱۳۸۸	۳۱/۹۱	۰/۱۸۳۵۲۴
۱۳۸۹	۳۱/۴۳	۰/۱۸۴۳۶۵
۱۳۹۰	۳۰/۴۲	۰/۱۹۰۳۹۱
۱۳۹۱	۲۹/۶۴	۰/۱۹۲۳۵۴

بر اساس نتایج حاصله از جدول ۲ می‌توان نمودار زیر را برای روند تغییرات اصابت خط فقر بر اساس روش ۶۶ درصد میانه‌ی مخارج خانوارهای شهری به صورت نمودار ۳ ترسیم نمود.



نمودار ۳: نمودار اصابت فقر نسبی بر مبنای ۶۶ درصد میانه‌ی مخارج خانوارهای شهری استان گیلان

همان‌طوری که نمودار اصابت فقر نشان می‌دهد؛ اصابت فقر در دوره‌ی مورد مطالعه همواره دارای نوسان بوده است؛ ولی به‌طور تقریبی می‌توان گفت از سال ۱۳۸۵ به بعد روند کاهشی داشته است؛ این بدان معنی است که درصد افراد زیر خط فقر نسبی از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۱ روند نزولی داشته است و به میزان ۳/۲۸ درصد کاهش یافته است. گرچه این کاهش مبین نگرش مثبت در سیاست‌های فقرزدایی و توزیع درآمد می‌تواند باشد ولی همچنان با توجه به نرخ بالای اصابت فقر (حدود سی درصد) بیانگر نیاز به تلاش بیشتر در کاهش فقر نسبی در جامعه می‌باشد. با توجه به یافته‌های جدول ۲ می‌توان نمودار روند تغییرات شدت فقر را بر اساس روش ۶۶ درصد میانه‌ی مخارج خانوارهای شهری به صورت زیر ترسیم کرد.



نمودار ۴: شدت فقر نسبی خانوارهای شهری استان گیلان

همان‌طور که نمودار شدت فقر نشان می‌دهد؛ شدت فقر در دوره‌ی مورد مطالعه روند افزایشی داشته است. شدت فقر در این استان در دوره‌ی مطالعه بین ۱۵٪ و ۲۰٪ بوده است. با مقایسه‌ی اصابت فقر و شدت فقر می‌توان فهمید؛ که با وجود افزایش خط فقر نسبی در استان گیلان، اصابت فقر (درصد افراد زیر خط فقر) کاهش یافته است، ولی شدت فقر در جامعه افزایش یافته است و افراد زیر خط فقر تقریباً وضعیت نامناسب‌تری پیدا کرده‌اند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

این پژوهش به تخمین خط فقر نسبی و شاخص‌های اصابت و شدت فقر بر اساس مفاهیم درصدی از میانه (روش ۵۰ و ۶۶ درصد) مخارج خانوارهای شهری در استان گیلان طی سال‌های ۹۱-۱۳۸۰ پرداخته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که با روش ۵۰ درصد میانه‌ی مخارج، خط فقر نسبی در بین خانوارهای شهری استان گیلان در سال ۱۳۸۰ معادل ۱۰۵۸۳۷۳۹ ریال بوده که در سال ۱۳۹۱ این رقم به ۶۸۵۹۱۷۰۶ ریال افزایش یافته است. از طرف دیگر با روش ۶۶ درصد میانه‌ی مخارج، این رقم در سال ۱۳۸۰ و ۱۳۹۱ به ترتیب معادل ۱۳۹۷۰۵۳۶ و ۹۰۵۴۱۰۵۲ ریال بوده است. به عبارت دیگر می‌توان گفت بر اساس هر یک از این معیارها، خط فقر نسبی در بین خانوارهای شهری استان گیلان در فاصله‌ی مذکور بطور متوسط سالانه ۱۹ درصد افزایش یافته است. برای مقایسه‌ی این نتایج با دیگر مناطق می‌توان از سایر مطالعات استانی که در حوزه‌ی شهری و با روش‌های مذکور صورت گرفته است مثلاً مطالعه‌ی افتخاریان و سلیمی‌فر (۱۳۹۳)، برای استان کرمان و پیرایی و شهسوار (۱۳۸۸)، برای استان فارس استفاده کرد. خط فقر

نسبی در مناطق شهری استان کرمان در سال ۹۱ برای خانوار ۴ نفره برابر ۵۲۰۱۰۹۴۹ ریال برآورد شده است که در مقایسه با استان گیلان با رقم ۶۸۵۹۱۷۰۶ ریال کمتر است. در مطالعه‌ی دیگر خط فقر نسبی با روش ۵۰ و ۶۶ درصد میانه در استان فارس برای سال ۱۳۸۰ بترتیب مبلغ ۹۷۱۰۵۱۶ و ۱۲۸۱۷۸۸۱ ریال برآورد شده است که این ارقام نیز در هر دو مورد از استان گیلان کمتر است. همچنین، تحقیق افتخاریان و سلیمی‌فر (۱۳۹۳)، نشان می‌دهد که در سال ۱۳۹۱ خط فقر نسبی خانوارهای شهری در سطح کشور از استان گیلان بیشتر بوده است. در تحقیق حاضر، علاوه بر شاخص فقر نسبی، اصابت فقر و شدت فقر نیز برآورد گردیده است. اصابت فقر در دوره‌ی مورد مطالعه اگر چه دارای نوسان بوده است؛ ولی به‌طور کلی روند نزولی داشته است و از ۳۲/۲۳ به ۲۹/۶۴ درصد خانوارها رسیده است. همچنین نتایج نشان می‌دهد؛ شدت فقر در دوره‌ی مورد مطالعه روند افزایشی داشته است و از ۱۵ درصد خط فقر نسبی در سال ۱۳۸۰ به ۱۹ درصد در ۱۳۹۱ افزایش یافته است. با مقایسه‌ی اصابت فقر و شدت فقر مشخص می‌شود که اگر چه اصابت فقر (درصد افراد زیر خط فقر) کاهش یافته است ولی با توجه به افزایش شدت فقر، افراد زیر خط فقر وضعیت نامناسب‌تری پیدا کرده‌اند.

پیشنهادات

- ۱- با توجه به اینکه اصابت فقر در دوره‌ی مورد بررسی کاهش ولی شدت فقر افزایش یافته است، در تحقیقاتی ضمن شناسایی عوامل مؤثر در این موارد سیاست‌های مؤثر در کاهش اصابت فقر تقویت و سیاست‌های مربوط به شدت فقر بازنگری و اصلاح شوند.
- ۲- از آنجایی که بهبود اصابت و شدت فقر ارتباط مستقیمی با توزیع درآمد دارد مسئولین با تکیه بر سیاست‌های مناسب در جهت بهبود توزیع درآمد وضعیت اصابت و شدت فقر را بهبود بخشند.
- ۳- با استفاده از کنترل تورم از افزایش خط فقر در استان جلوگیری شود.

فهرست منابع:

- ابونوری، اسماعیل و مالکی، نادر (۱۳۸۷). "خط فقر در استان سمنان طی برنامه‌های توسعه (۸۳-۱۳۶۸)"، فصلنامه‌ی رفاه اجتماعی، سال هفتم، شماره‌ی ۲۸.
- فتخاریان، پونه و سلیمی‌فر، مصطفی (۱۳۹۳). "بررسی وضعیت فقر در مناطق شهری استان کرمان و مقایسه‌ی آن با کل کشور"، فصلنامه‌ی پژوهش‌های اقتصادی، سال چهارم، شماره‌ی ۵۴.
- امیر انتخایی، شهرام (۱۳۸۷). جغرافیای تاریخی گیلان، ناشر: فرهنگ ایلیا.
- ارزروم چیلر، نسرین (۱۳۸۴). ابعاد گوناگون فقر در ایران، بانک مرکزی، اداره‌ی بررسی‌ها و سیاست‌های اقتصادی.
- اداره‌ی کل امور اقتصادی و دارایی استان گیلان (۱۳۹۴). تحلیل اقتصادی استان گیلان سال ۱۳۹۲.
- پژویان، جمشید (۱۳۷۵). "فقر، خط فقر و کاهش فقر"، مجله‌ی برنامه و بودجه، شماره‌ی ۲.
- پیریایی، خسرو و شهسوار، محمدرضا (۱۳۸۸). "بررسی وضعیت فقر در مناطق شهری و روستایی استان فارس"، پژوهشنامه‌ی اقتصادی، سال نهم، شماره‌ی سوم.
- پیریایی، خسرو و شفیعی، شهریار (۱۳۸۰). "اندازه‌گیری فقر با تأکید بر خانوارهای شهری استان مازندران"، فصلنامه‌ی اقتصادی مدرس، سال اول، شماره‌ی ۱، بهار.
- فتحی، حامد (۱۳۹۴). "بررسی هزینه و درآمد خانوارهای شهری و روستایی استان گیلان طی سال‌های ۱۳۸۵ الی ۱۳۹۲"، دو ماهنامه‌ی تحلیلی - پژوهشی آمار، شماره‌ی ۱۴، مهر و آبان ۱۳۹۴، پژوهشکده‌ی آمار.
- خالدی، کوهسار و زورا، پر مه (۱۳۸۴). "بررسی وضعیت فقر در مناطق شهری و روستایی ایران"، مجله‌ی اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال سیزدهم، شماره‌ی ۴۹، بهار.
- خسروی‌نژاد، علی‌اکبر (۱۳۹۱). "برآورد فقر و شاخص‌های فقر در مناطق شهری و روستایی"، فصلنامه‌ی مدل‌سازی اقتصادی، شماره‌ی ۲، تابستان.
- خداداد کاشی، فرهاد و حیدری، خلیل (۱۳۸۸). "اندازه‌گیری شاخص‌های فقر بر اساس عملکرد تغذیه‌ای خانوار ایرانی"، مجله‌ی پژوهش‌های اقتصادی سال نهم، پاییز.
- خداداد کاشی، فرهاد و سلیمان‌نژاد، علی‌اکبر (۱۳۹۱). "برآورد خط فقر و بررسی تغییرات آن در مناطق روستایی استان اصفهان"، فصلنامه‌ی تحقیقات جغرافیایی، سال ۲۷، شماره‌ی دوم.

خداداد کاشی، فرهاد (۱۳۸۱). "اندازه‌گیری شاخص‌های فقر در ایران"، پژوهشکده ی آمار مرکز آمار ایران.

زورکی، شهریار و شه‌میری شورمستی، مجتبی (۱۳۹۱). "برآورد خط فقر در استان مازندران طی برنامه‌های توسعه‌ی اقتصادی - اجتماعی ایران"، فصلنامه‌ی پژوهشنامه‌ی بازرگانی، شماره‌ی ۶۴، پاییز.

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (۱۳۷۹). برنامه‌ی مبارزه با فقر و افزایش درآمد خانوارهای کم‌درآمد، معاونت امور اجتماعی، تهران.

سن، آمارتیا (۱۳۸۱)، توسعه به مثابه آزادی، ترجمه‌ی وحید محمودی، تهران، دستان.

عرب مازار، عباس و حسینی‌نژاد، سید مرتضی (۱۳۸۳). "برآورد میزان فقر و شدت آن در گروه‌های مختلف شغلی خانوارهای روستایی ایران"، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال دوازدهم، شماره ۴۵، بهار.

کازرونی، علیرضا (۱۳۷۵). تحلیلی بر اندازه‌گیری و منشأ فقر و سیاست‌های فقرزدایی در ایران، مجموعه مقالات گردهمایی بررسی مسئله‌ی فقر و فقرزدایی، جلد دوم، سازمان برنامه و بودجه.

معاونت برنامه‌ریزی، استانداری استان گیلان، آمارنامه‌ی سال ۱۳۹۱، استان گیلان.

معاونت برنامه‌ریزی استانداری گیلان، سالنامه‌های آماری گیلان.

مهدیان، سهیلا و مهرابی، هادی (۱۳۸۹)، گیلان سرزمین باران، ناشر: میردشتی.

نجفی، محمدعلی و مولایی منصور (۱۳۹۳). محور توسعه‌ی استان گیلان، مرکز خدمات سرمایه‌گذاری استان گیلان.

Assadzadeh, A. and Satya, P. (2001). Poverty, Growth and Redistribution, Case Study of Iran.

Baldwin, S. (1985). The Costs of Caring: Families with Disabled Children, London: Routledge and Kegan Paul.

Centre for the Study of Living Standards (CSLS), (2003). Productivity Growth and Poverty Reduction in Developing Countries, Background Paper, prepared for the 2004 World Employment Report of the International Labour Organization.

Department of Economic and Social Affairs of the United Nation (2009). Rethinking Poverty Report on the World Social Situation. T.

European Commission (2011). "The Measurement of Extreme Poverty in the European Union".

Fan, S. and Zhang, X. (2001). Production and Productivity Growth in Chinese Agriculture: New National and Regional Measures, Economic Development and Cultural Change, forthcoming.

Marx, Ive. K. Van den Bosch (2007). How Poverty Differs from Inequality on Poverty Measurement in an Enlarged Eu Context: Conventional and Alternative Approaches.

Ravallion, M. (1998). Poverty Lines in Theory and Practice, Living Standards Measurement Study Working Paper, 133, World Bank, Washington DC.

Ruggles, P. (1992). Measuring Poverty University of Wisconsin Madison Institute for Research on Poverty, Vol.14. No.1, Spring.

Sen, Amartya K. (1981). Poverty and Famine, an Essay on Entitlement and Deprivation. Clarendon Press; Oxford, U.K.

Thompson, J. and Smeeding, T. (2013). Inequality and poverty in United States. Finance and Economics Discussion, Series 5.

Townsend, Peter (1985). "A Sociological Approach to Measurement of Poverty: A Rejoinder to Professor Amartya Sen", Oxford Economic Papers.

United Nations Development Programme (2013). Human Development Report-Malaysia.